

مسئله

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران به مناسبت روز ورزش برای اصلاحات دموکراتیک در دستگاه ورزش مبارزه کنیم!

اوضاع نابسامان، سردرگمی و فساد تدریجی بدنیه، جا بجای مکرر مسئولین قدراسیون ها، انحراف روز-افزون در عرصه های بین المللی، شکست های پی در پی شهید محیط فدیکرا تیک و محروم کردن بیش از پیش ورزشکاران، از دخالت در دستگاه تربیت بدنیه، نتایج بحرانی است که ورزش ایران را به آستانه نابودی کشانده است. دشمنی رژیم با فعالیت های ورزشی ادا به جنگ گه همه بودجه کشور را می بخشد، تریس رژیم از بروز اعتراضات در محیط های ورزشی و کوشش های آن در جهت محدودیت بیش از پیش مسابقات دلایل عمده ای است که ورزش ایران را به وضعیت کنونی دچار ساخته است.

کسترش فزاینده اعتراضات جوانان، ورزشکاران، مربیان و همه دست اندرکاران دلسوز جامعه ورزشی ایران، که ده ساله آن حتی به روزنامه های مسطور زده رژیم نیز کشیده است نشان آن است که ورزش دوستان و ورزشکاران نمی خواهند به این وضع افسوسناک تسلیم شوند و به دنبال چاره برای نجات ورزش کهن مسال و ویران افتخار ایران از چنگال ولایت تفرقه می گردند.

بقیه در صفحه ۷

نشریه سازمان جوانان پیشگام ایران
سال سوم
شماره ۴
اولی دی ماه ۱۳۴۴
صفا ۱۵ ریال

تبادل کاهن سلاحهای هسته ای

گامی مهم در جهت خلع سلاح



روزهای ۱۶ تا ۱۹ آذر ماه امسال، رهبران اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا در واشنگتن بنا بکندیدیدار و مذاکره داشتند. موضوع اصلی مورد مذاکره، کاهش سلاحهای هسته ای بود که با امضای قراردادی در این زمینه بین طرفین به نتیجه رسید. طبق این قرارداد، موشکهای میانبرد (۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ کیلومتر) طرف شمال و موشکهای کوتاه برد (۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر) طرف ۱/۵ سال آینده بنا بودخواهند شد. در مجموع ۲۶۰۰ موشک هسته ای که معادل ۴ ذخیره تسلیحات ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی است، طی این مدت از میان برده خواهند شد.

چنان در تریاتی قرارداد رده گانه تنها تصمیم سیاسی معین برای جنگ هسته ای، بلکه بایگانگ استیاه معاصیه کوچک و بایگ حادثه جزئی نیز، بشریت در معرض نابودی قرار گیرد. انباشت سلاحهای هسته ای امروز در جهان به قدری است که فا در است ده بار زنده جهان را تا نبود کند. این وضعیت بحرانی و خطرناک، بشریت را مستقیماً در برابر منتهی بودن یا نبودن، بقا یا نیستی قرار داده است. اهمیت این قرارداد در نجات گه به استکار نجا عتف و مسئولان اتحاد شوروی نیست به قدرات بشریت و تمدن بشری برای اولین سال در تاریخ، بخشی از تسلیحات هسته ای بنا بودخواهد شد. اگر چه این قرارداد تنها تا بودی ۴ تسلیحات هسته ای ایالات متحده آمریکا و شوروی را در بر میگیرد، اما اهمیت این تصمیم در راه گنا بودن آن و بالاتر از همه در ایات آن است که نکت است که حرکت بسوی خلع سلاح نه تنها ضروری، بلکه امکان پذیر است. بقیه در صفحه ۲

جنگ و چشم اندازاتی تحولات

موج تازه سیخ نیروکها با اعلامیه ۱۰ صفا ده ای شورای عالی پشتیبانی جنگ برافراشته، که امکان ادا به دارد، اما علیرغم تبلیغات و هیاهوهای گسترده جوانان هیروز کم شمارتری که به سیخ می پیوندند، نیز اغلب پشتیبان رژیم نیستند. بخش بزرگی از آنها بجان آمده از پیگرداشی ما و جوانان سر با زگیری، به دلایل فشا رهای مالی، بیگاری و فقر، به جای رتن به شرکت در برنا مه های سیخ جنگی خمینی می دهند. سیخ مالی رژیم نیز بیسا تنفر ده های وسیع مردم مواجه است.

فرمان به سیخ عمومی، این بار برخلاف همیشه فقط متوجهات بین نیرو برای ادا به جنگ نیست و عمدتاً هدف دیگری را دنبال می کند. رژیم مدتهاست به ناتوانی خود در پیروزی نظامی می برده و در جستجوی بیرون آمدن از بن بست جنگ، از طرق دیگری از جمله راه های سیاسی و دیپلماتیک است. هر چند سران رژیم قطعاً مسیه ۵۹۸ بقیه در صفحه ۷

- منتظری هم همدار می دهد! در صفحه ۳
- ۴۵مین سالگرد تشکیل "گارد جوان" در صفحه ۴
- مسائل و مشکلات جوانان آرامنه در صفحه ۸

زنده است نامت همواره در میان خلق

فعلانه همراه با مردم سنج در نظرات و راهیهای های دوران انقلاب شرکت داشت. پس از انقلاب، زعمه رفقای بود که تکلیفات جوانان پیشگام را در سنجند چ بی گذاردند. به دنبال بورش ارتعای خمینی در ۲۸ مرداد ده به کردستان، به سازمانگری حرکات اعتراضی دانش آموزان علیه مزدوران مهاجم پرداخت. در این روزها به جیره ای شناسان و موردا عتفا در میان جوانان و مبارزان انقلابی تبدیل شد. با نگرانی مجدد خمینی به کردستان در اردیبهشت سال ۵۹، رفیق صفا بقیه در صفحه ۲

با اندوه فراوان خیر شدیم که رفیق جمشید حوری جانی از بنیانگذاران سازمان جوانان پیشگام ایران در کردستان و عضو برجسته سازمان فدائیان خلسبق ایران، پس از چند سال که در زیمباری سلطان استخوان رنج می برد، در تیر ماه امسال درگذشته است. رفیق حوری جانی در ۱۳۴۱ در خا نواده ای زحمتکش دیده به جهان گشود. از دوران که دانش آموز بود،

گسترده باد مبارزه انقلابی جوانان در راه سرنگونی جمهوری اسلامی

جوانان ترکمن ...

مقیده از صفحه ۷

حنگ ارتعاجی کمک کنند. گاهی وقت ها دانش آموزان با کاریه پیشی مدیر مدرسه می رفتند که ما چیزی نداریم به جبهه کمک کنیم و مدیر مدرسه می گفت: تا وقتی که پول نیاورده اید به مدرسه نیایید ...!

زنده است نامت همواره ...

مقیده از صفحه ۱

در کنار مردم قهرمان ن ستمدن تا آخرین روزهای پاییزی شهر، قهرمانان نه جنگیدویس از آن هم مبارزه خویش را در کوه بی گرفت. جوانان روستاهای اطراف سندرناج، زلاشهای شبانه روزی این جوان فدایی را در زمان نگرانی و مقاومت مسلحانه شان هیچگاه فراموش نخواهند کرد. رفیق جمشید در پاپیزها سال بسبب ملاحظه مسئولین سازمان به ستمدن با زنگنه و علیبرغم مشکلات فراوان، ناشی از سرکوب مزدوران رژیم سرسبز ما زمانه‌ی جوانان پیشگام در شرایط نوین برداشت موثرترین خدمات رفیق حوری جانی پس از ادیبیشت ۶۲ مبارکت در سازمان ندهی تشکلات مخفی سازمان فدایی در کردستان بود. با کمترین امکانات و در سخت ترین شرایط سرکوب لیستی، صبورانه و بی‌خستگی کار می کرد و از شرفیختی فعالیست کاپیش را گسترش می داد پس از یورش تا استان همدان و گامی به بغداد بیسان خلق، او با تلاش فراوان و شجاعتی بی نظیر توانست تشکلات تحت مسئولیتی را سالم نگاه دارد و تا لحظه ای که جان در تن داشت، آنچنان که از یک انقلابی سوسی حرفه‌ای انتظار می رود، با تمام وجود و امکاناتش در خدمت آرمان و لای خویشتن کمر بست و مبارزه کرد.

گامی مهم در جهت خلق سلاح

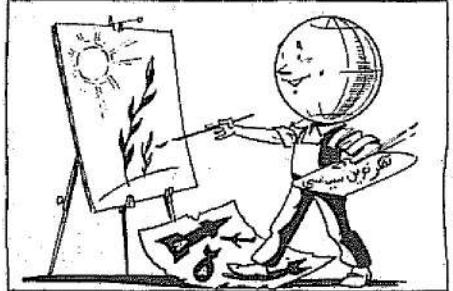
بقیة از صفحه ۱

با این همه بنا بیده عقدا بین قرار داد دل خوش کردوبه ضرورت گسترش مبارزه مستمر و بیگیر در راه مسلح و خلق سلاح کم بیا داد. همه چیز در گرو آن است که تما می نیروهای صلح دوستی جهان با تمام ظرفیت خود در این راه مبارزه کنند.

مشکل بتوان از نظام کهنه و استعمارگر سرمایه داری توقع داشت که به آئینده بشریت فکر کند. این خود شده‌های میلباری دردی در جهان هستند که می توان نند و با بیدار، حق حیات خود دفاع کنند، از زلاشهای اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مردمی با سرای حفظ صلح جهانی پشتیبانی کنند و امیرال میربا لیسرا که سرمنشأ جنگجویی جهانی اول و دوم، منبع جنگ سرد و مان زدن بیهوده با بقه تسلیماتی بوده و هست، را وادار سازند تا از نظام می گری و تنگنای برزور، برای حل و فصل مسائل جهان دست بردارد. او ا تعبیهای عصری که با در آن زندگی می کنیم یعنی عصر هسته و فضا، این ساستها و تلاشهای امیربا لیسیتها را محکوم می سازد. بدیدار میخا شیل گاربا چنار از آمریکا و ماضی قرار داد کاش سلاحهای هسته‌ای، نخستین گام موفق در راه بسر جیدن سلاحهای هسته‌ای و پیشبرد ساست اتحاد شوروی برای تحکیم صلح جهانی می باشد. این قرار داد نشان داد که نگرانی سوسیالیستها از جانب اتحاد شوروی دنبال می شود، هر چه بیشتر نیرو می گیرد و کار را پی می رود و داخل و فصل مسائل بین المللی که قلب و مغز همه جها تیان را به خود مشغول کرده است، اثبات می کند.

این دیدار در عین حال تا شیر قابل توجهی در عبادی کردن مناسبات میان دو کشور و بهبود رفته قیما بین جها ن سرمایه داری و جها ن سوسیالیسم داشت.

جها ن ما که جها تی است نه تنها متفاد، بلکه همچنین متفاد بنا به هم وابسته نیا. زندندان ساستی است که بتواند وسیع ترین و فعال ترین روابط میان خلقها و دو لیا، مستقل از نظام اجتماعی اقتصادی جاکم بر آنها تن مین کند. سفر رهبر شوروی به آمریکا در این عرصه نیز گامی مهم و راهگشا در جهت بسط همکاری میان دودولت و گسترش مناسبات گوناگون اجتماعی، فرهنگی و هنری میان خلقهای این کشورها به شمار می رود.



سازمان جوانان پیشگام در کردستان قهرمان همواره رفقای بسیا را از شمعندی را در ظروف خویش داشته است که به حق می توان از قهرمانی هسبا و زندگی سرشارشان بر خود بیباک، رفقا " تا در پایزی و جمشید دیندار " که از فرزندان دلیر خلق کرد و افتخار است ما زمان ما بودند. در سال ۵۹ در نبرد با رژیم سرسبز مردمی خمینی جان باختند و اکنون نیز در سوگ رفیق دیگری نشستیم. بیم که تا پیش در کنار این عزیزان از بسبب ناگذاران جوانان پیشگام در کردستان است. تروید نداریم که راه و آرمان انقلابی این رفقا و بیاران و فدا رشان در کردستان و سراسر میمنه مان سر فرازانه ادامه خواهند داد. بسیاری از فرزندان کردستان به راه انقلابی این رفقا که آزادی خلق کرد و استقلال و آبادی ایران را هدف خویش دارند، خواهند پیوست.

منتظری هم هشدار میدهد!

اوضاع در دانشگاه‌های ایران بحرانی و نگران کننده است. بانک برهمه روشن است که اگر این وضع بحرانی ادامه یابد، میهن مازودین ما یک فاجعه فراگیر فرهنگی و بروبرخواهد شد. عامل اساسی در این بحران همانا استبداد ارتجاع ترونی و وسطایی رژیم است که برداشته‌ها سنگینی می‌کند.

در مقابل این اوضاع وخیم، سیاست گذاران "فرد انقلاب فرهنگی" و دست اندرکاران اصلی به‌خمنون کشیدن و انهدام دانشگاه‌ها تیر به‌تیر و با افتادها و مذبوحانه درصد راه جویی برآمدند. منتظری در جلسای که با نمایندگان خود در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در آبان ماه امسال داشته است، هشدارهایی از این دست می‌دهد: "جوی نیانگسسه دانشگاه‌ها احساس می‌کنند ما داریم به‌تلاش با سیل عقیدتی، مسائل سیاسی و دیدگاهی می‌کنیم و تحصیل می‌کنیم. املا سخ است و دانشگاه‌ها زحاف فکسری آزارند. اینها در یک سطح رسیده‌اند، مخصوصا اینسری جوانها، اینها که پای شان به‌دانشگاه رسیده، آزار د فکرمی کنند و می‌خواهند چیزی را تحمیل کرد. این که به او (دانشجو) گویند خفه شو یا مذاقی یا نمی دانم چی، این ساخته نمی شود، بلکه بیشتر عقده پیدا می کند، نسبت به ما هم بدبین می شود و نتیجها می دهد که هرگز نشاءیم، ممکن است که ما جوی در دانشگاه دست کنیم که بترسند و جرات نکنند حرف شان را بزنند... اینک ما همین طور با شعور و با تکفیر و با این جور چیزها با هم می‌زنیم، و دکنیم نمی شود، ممکن است وقتا سر و صدای بخوابانیم، اما این ساختن دانشگاه نیست... چون اینجا خودمانی هستیم در این جلسه عرض می‌کنم: من با دانشجو ارتباط دارم، آنچه می گویم صرفا شنیدن از یکی دوتا نیست، من از مسائل اطلاع دارم. در حال حاضر ما سفاک اکثریت دانشجوین حالت نفق و بی باکی پیدا کرده‌اند و از دیدگاه خود و تحصیل خطوط و سلیقه‌های شخصی می‌نالند. اینسری مسائل را همان خوبان به‌من گفته‌اند، نگویید مذاقین، مذاقین، مذاقین! اینها دانشجوین به‌انجمن‌های اسلامی به‌چشم خوب و به‌عنوان راهما و دلسوزنگاه نمی‌کنند و قهرا موروعا پیدا کرده‌اند تا آن مخفمی می‌کنند. دانشگاه‌ها سزنده‌اند و کشورند، اگر ما بخوایم اختناق درست کنیم، خینی‌ها قرامی کنند می روند و کسی برایتان نمی‌ماند". اطلاعات ۲۱ آبان ۶۶.

اما این دلواپسی‌ها و چاره‌جویی‌ها راه‌آبه‌جایی نمی‌برد. سنگ بنای جمهوری اسلامی و شیوه تفکر گردانندگان مرجمین به‌نگلی با آزار اندیشی، تفکر علمی متضاد است. این هشدارها در چنین سیستم اندیشه‌ای به‌هیچ روی کارایی عملی ندارد. رتد، تضاد راه به‌بود و اوضاعی وضع دانشگاه‌ها است که بساط استبداد، خفقان و فتنش عقاید زدا نشگاه برجسته شده. گزینش دانشجو برپایه معلومات علمی و نه انتخاب به‌حزب الله قرار گیرد، به‌میله نیا دهای ارتجاع به‌کلی لغو شود، دست حوزه‌های علمیه "از داخلت دانشگاه‌ها دانشگاهی کوتاه کرد و فرستادگان آن از دانشگاه‌ها به‌جورهایشان در قم بازگردند، هرگونه مذاخله ناروا و بی صلاحیت - دیگر نشاهای ارتجاع در امور علمی دانشگاه خاتمه یابد، به‌جنگ وسیاست دانشگاه در خدمت جنگ با دشمن اعظم بوده، امکانات

افت تحصیلی دانشگاه‌ها

گزارشگر کیهان از میان انبوه مشکلات منفسی و آموزشی دانشجویان، با شین بودن کیفیت آموزش عالی و در نتیجه آن "افت تحصیلی" وسیع در دانشگاه‌ها را در شماره ۱۰ آبان ماه مورد بررسی قرار داده است. در گزارش از قول نمایندگان مجلس آخوندها نقل شده است: "مروزانت علمی غیر منتظره‌ای در سطح دانشگاه‌ها به چشم می‌خورد. در پاسخ به‌دلایل این امر، یکی از دانشجویان "عدم مهارت و تخصص کافی در ارتد" را مطرح می‌کند، دانشجود دیگری می‌گوید: "جزوای کسه از سوی استادان توزیع می‌شود، از نظر محتوی به‌شدت ضعیف است، و تازه همین‌ها هم "یک هفته با نده به‌متنا از زربین خارج شده و به‌دست ما می‌رسد، یکی از اساتید دانشگاه معتقد است: "پذیرش بالای دانشجو بدون در نظر گرفتن استاد کافی" مشکل اصلی است و دیگری اضاغه می‌کند: به‌دلیل افزایش ظرفیت دانشگاه استادان به‌طور متنا وقت با پیدند و این کنگسسه در نتیجه مجال تحقیق و مطالعه ندارد و سطح کارشان با شین می‌آید، کیهان هم در این مورد چنین نظری دهد: "هفته‌ها به‌نسبت پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها افزاایش می‌آید که این کار با فضای آموزشی موجود هم چنین امکانات آموزشی تناسب و هماهنگی ندارد".

برای یافتن مبنای این کیفیت آموزشی اینقدر یا شین است، احتیاج به‌تخصص فراوان نیست، ای بسا دلایل اصلی‌ترین وضع مدرسیاخی‌ای دانشجوین بوده که ما تصور کرده‌است. بر کسی پوشیده نیست که چگونسه جنگ خصمی با مدام بخش اعظم بوده دانشگاه‌های زار و زود بلعیده و بسیاری از امکانات و تجهیزات آموزشی را به خلات گرفته‌است. خلاصت برای بی‌نودیزدن دانشگاه‌ها با "حوزه علمیه" به‌تحمیل بسیاری از مضامین متحجر و تاریک اندیشانه‌ها در برنا مه‌های آموزش دانشگاه‌ها و حذف مفا علمی آن منجر شده است. آخوندها، دانشگاه‌ها راه‌متا به‌یک مرکز علمی - آموزشی به‌رسمیت نمی‌شناسند، بیش از هشت هزار استاد دبا کیفیت رادز سالهای اخیر با آموزش عالی اخراج و یا وادار به ترک کار کرده‌اند، اساتیدی که اکنون مشغول تدریس هستند نیز بر فشار انواع تحمیل‌ها و دخالت‌های ناروای آخوندها، به‌شیوه‌های گوناگون بندند. از سوی دیگر شیوه پذیرش دانشجو، به‌براساس صلاحیت علمی و استعداد داد و طلبان، بلکه بر حسب درجه اعتقاد مذهبی و وابستگی آنهاست و بیشتر از همه، تخصص قریب سبب نسیم، از ظرفیت دانشگاه‌ها به‌عملال و جاسویان نشاهای ارتجاع و وابستگان آخوندها، خانواده کشته‌شدگان جنگ، و مطلقا بی‌سوادان قده صلاحیت علمی برای حضور در دانشگاه هستند، چنین وضع اخباری را در مراکز آموزش عالی میهن ما ایجاد کرده است.

و نیروی دانشگاه‌ها را در شورتجک می‌سوزاند، با بیان داده‌شود، شرایط لازم برای تفکر آزاد علمی و مباحثات خلاق در دانشگاه فراهم شود، قوانین آزادی کنش و تاریک اندیشانه علیه اساتید دانشجو لغو شود، شکل‌های مستقل صنفی دانشجویان دانشگاه‌ها شکلی شود، در یک کلام شیخ استبداد و ارتجاع از گردن دانشگاه‌ها زودنا دانشگاهی مستقل داشته باشیم، برای غلبه بر بحران روزافزون در مراکز آموزش عالی، باید از همه اشکال مبارزه بسیاری با بیان دادن به استبداد دقرون وسطایی آخوندها بهره جست.

گسترده باد مبارزات انقلابی دانشجویان و دانش‌آموزان!

فاشیستیای هیلتری تصرف شده بود. گروه های مقاومت با پیدرسوخت خود را تعیین می کردند. در کتاب "گسارد جوان"، فادیوف عرصه های تربیت حزبی را در جنبیه حزب رابطی شوروی عمیقاً و محقق قدرت تا شیرا انتقالی حزب را روی جوانان نشان می دهد، جوانان نیز که از رهبری روزمره حزب کعبه آن عادت داشتند، جدا افتاده اند ولی ثابت نگرددند و روح مبارزه آنها کارانه و بی دریغ و تا پای مرگ در راه کمونیسم، با خون و جان و سرشت آنها در آمیخته است. نشان دادند که ماده اند، می خواهند می توانند برای آینده ای حزب لنین در هر شرایطی مبارزه کنند.

آری... در کتاب "رستیاظ" کا ملا عقیم ما نسودو قطعند، ولی شیرا زما رزه عمومی خلق شوروی را از پیده کمونیسم عقب ننشست. جوانان کمومول شیر، قهرمانان جانتاشی کردند و برچم مبارزه علیه دشمن را در اهتزاز نگه داشتند.

محندهای نشان دهنده ای که پس از گرفت و خروج قوای فاشیست در برابر برچمان مردم قرا رگتس، هیچگاه فراموش نشدنی نیست. بیرون آوردن اجساد کشته شدگان روزهای زیادی به طول انجامید. کارگران ذغال سنگ از معدن شماره ۵ شیرکراسنودن اجساد درخون غلغیده بلشو بیچهای جوان را که با مقاومت خود، جاساه های فراموش ناشدنی را خلق کرده بودند، بیرون می آوردند. در طی آن روزها ما در آن همسران شیدا از جاسعدن جدا نشدند و اجساد در نزدن و شوهران نشان را به دست گرفته می بردند. در هر جای رمان "گارد جوان" اگر خوانند کتاب را با متوقف کنیم، یک نقل قول قطع شده به چشم می خورد. کتابی که این قهرمانان را در قلب میلیونها انسان در سراسر چین جاودانه ساخته است. اعنای سازمان مخفی کمسومول، "گارد جوان" از شیرکراسنودن در سال ۱۹۴۳ به فرمان هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی به درجه "قهرمان اتحاد شوروی" نائل گردیدند. هر چند که گذشتارنها درگذر زنده نبودند، جوانان شوروی هیچگاه دنیا قهرمانانی همچون "آلک کاشوی"، "ولیا ناگرا موا"، "ایوان زیموخوف" "سرگی تیولنن" را از یاد نخواهند برد.

۴۵ سال از تشکیل سازمان زیرزمینی کا ماسول شهرکراسنودن اشخا دشوری گذشت. وقتی فاشیستیای هیلتری، اوکراشین را به اشغال در آورده بودند، کا ماسولهای لنینی سازمان مخفی خوشان را تشکیل دادند. گروهی از جوانان در قلب سرزمینیای اشغالی به جنان فاعلیستیای انقلابی قهرمانانهای دست زنده که در تاریخ مبارزه علیه فاشیسم جاودانه است. فاشیستیای چند روز قبل از آزادی شهر، بیگروه های سیمه جان ایسن قهرمانان جوان را که به هنگام دستگیری چون کبوه در برابر دشمن استوار مانده بودند، به عمق معادن ذغال سنگ انداختند و سوزاندند.

وقتی کتاب گارد جوان را که مبارزه و مقاومت این جوانان را تصویر کرده است، منتشر شد، جهان در برابر قهرمانان این جوانان لنینی، سر تعظیم فرود آورد. مبارزه حماسی کا ماسولهای لنینی کراسنودن یک نمونه والامعنی جوانان مبارز سراسر جهان باقی خواهد ماند. مقاله زیر به مناسبت چاپ و پنجمن سالگرد تشکیل گارد جوان تهیه شده است.

۴۵مین سالگرد تشکیل "گارد جوان"

تاریخ ادبیات یک خلق، رسالت واقعی را نشان می تواند. ادبیه آنجا مرسانه که حقیقت را بگوید، هنگامیکه پیروزانست و زیر و نهنگان است و غمناک است. "الکساندرفا دادیوف" در رمان "گارد جوان" توانست نسلی را نشان دهد که پدران نشان قهرمانان اکتبر کبیر بودند، نسلی که با پشه تا پیدرا نشان بودند، با پسته اکتبر بزرگ. و به همین خاطر مهموانست این رسالت را به آنجا میرساند و با قلب خوانندگان کتاب نفوذ کند. در صحنه تاریخی "گارد جوان" صفحاتی از زندگی جوانان شوروی رقم خورد، صحنه ای با ارزش از زندگی جوانانی که تصامی خشنه ها و فلاکتها را تحمل کرده و با وروایمان خود را نسبت به ایده های حزب از دست ندادند. در شهر "کراسنودن" اوکراشین، ارتباط بیسبب ارتش سرچکا ملا عقیم مانده بود، شیرکا ملا توسسسط

شهادت می دهیم بر اینکه من زملت کارم نژاد سنی و دشمنان و نسل دوده زحمت

کتاب سرخ شرق

سال ۱۹۶۶ در کوه های قزق زده و با ربیک کرمانشا درخا نوا ده ای زحمتکش و با فرهنگ، شاعر بزرگ ماسا متولد شد. پدرش که از اقلیمندان دست اندر کاران شعرو ادبیات مهم بود، نام فرزندی را به یادشایرکبیر ختقمان فردوسی، ابولقاسم نهاد. فرزند پسر قریحه این پیشه ور کرمانشاهی که زلفان دوران کودکی در میانس ادبی پدرش و باران او شرکت می جست، در هفت سالگی آغاز به سرودن شعر نمود. هنوز در سیار جوان بود که عضو هیئت جمعیت ادبیست شد که میرزا ملکحان نام ظالم دوله است از بنیان گذاران آن بود. با راهبانی به این جمعیت و تحت تاثیر شورشایب سیاسی اجتماع آن دوره، سروردن شعربا مناسبت سیاسی و میهن پرستانه را آغاز کرد و آنچنان که خود نوشته است: "به تدریج تحت تاثیر سخنان آزا دیخوایانه و بویژه ملک الملکمین و شوروردیسا افرا دو اقلی انقلابی، افکار نوی در من پیدا شد و متوجه شدم که مسئله فقط بر سر گرفتن آزادی نیست. سر نوشت نیروی ختقمان را از آزادی ختک و خالی در مان نخواهد کرد." به این ترتیب در سالهای انقلاب مشروطیت و لاهوتی به جنبش انقلابی پیوست و هم

ذوق و استعداد خود را در خدمت به این نهضت قرار داد. لاهوتی علاوه بر خدمات برجسته هنری به جنبش انقلابی، خود سخا از میهن را نفعال این جنبش بود. وی در مقولبا نسران میهن پرست و انقلابی ژاندا رهبری بود که انقلابیون پرشوری چون کلنل پسین هسسم در آن بودند. با کشف پیش از موعد طرحی برای قیام در ژاندا رهبری تم، غیبا به محکوم به اعدام شد و احبارا به ترکیه رفت. در آنجا همه به جنبش آزا دیخوایان مبارج پیوست و به انتشار نشریه "پارس" همت گذاشت. با کودتای ۱۹۹۹، لاهوتی را بدیگر به میهن بازگست و فرما شده او احیای رهبری شیریز شد. در این زمان طرفداران شیخ محمد خانی و حزب دموکرات آذربایجان با وی در تماس بودند و او را برای قیام در منتهقه فرامهی می کردند. دستمان سال ۱۳۰۴ به رهبری لاهوتی در شیریز قیام مبریا شد. قیام کنندگان موسسات دولتی را تصرف کردند، "کمیته ملی" برای رهبری قیام تشکیل دادند و خواستار خروج واحدهای نظامی انگلیس، قطع نفوذ امپریالیسم انگلیس از ایران، برکناری رضا خان از مقام وزارت جنگ و اطلاعات دموکراتیک شدند. اما واحدهای قزاقی که از سوی رضا خان به آذربایجان اعزام شده بود، شیریز را اشغال و قیام را وحشیانه سرکوب کرد.

پس از سرکوب قیام شیریز، لاهوتی ناگزیر به ترک میهن محبوبش شد و به اشخا دشوری مبارجرت کرد. اما در کشور جوانان شوراها نیز این شاعر انقلابی در اشتراک سبوانالیست، آزادی شنست. دوش به دوش

کفگیر به ته‌ریگ رسیده است

چگونه به‌شکار می‌آیند

از جدیدترین ترندهای سپاه پاسداران خمینی سزای شکار هرچه بیشتر سنجوگانان دانش آموزان خدمت جنگ، یونان شدن لباس نظامی سوزن آنها در کلاسهای درس است. این نقشه را از مدت‌ها پیش طراحی کرده بودند و در تهران از منطقه ۱۸ آموزش و پرورش در ۱۳ آبان امسال شروع به اجرا کردند. "افتخار" سخنگوی سپاه پاسداران که در جمع دانش‌آموزان متوسطه این منطقه حاضر شده بود، سخنرانی مفصلی ایراد کرد و قطعنامه‌ای که از پیش تدارک دیده بودند، در این مراسم قرائت شد. خلاصه مطلب آن است که از این پس سنجوگانان بی‌گناه ما مجبور خواهند شد که با لباس نظامی در کلاسهای درس حاضر شوند، این ترغیب‌نویس در خدمت آن است که اولاً فضای جنگی را هرچه بیشتر در مدارس گسترش دهند، ثانیاً با استفاده از چنین تبلیغ روزمره‌ای، هرچه بیشتر سربازیک با معرفت برای میدانهای مین درجبهه‌های جنگ نامین کنند و با افسرهای هرندای طبع طلبی و آزادخواهی رادرمیان معلمین و دانش‌آموزان به شدت سرکوب نمایند. ما از دانش‌آموزان و خانواده‌ها بمانند و از همسایه معلمین دلبیوزومتری فدوت می‌کنیم تا با آگاهگری هرچه وسیع‌تر بپیرامون اهداف ارتجاعی جنگ طلبانه رژیم بکوشند تا ذهن‌ها به دوپاک نوجوانان دانش‌آموزان نسبت به اهداف فیلد ریزم خمینی روشن کنند و اجازه ندهند که این زندگی‌های تازه آغاز شده، با آنچه‌های ناگفته در ادبیا ل عظمت طلبانه‌آ خودها درآتش جنگ و بیستی هلاک شوند. بگذارد آنگاه سزای نقشه‌های جنایت با مراهلا را به شکست بکشاند.

بن بست که کارانجنم‌های اسلامی دانش‌آموزان به آن دچار شده‌است، بی‌اختیارانسان را به بی‌سواد ضرب‌المثل "کفگیر به ته‌ریگ رسیده است" می‌دهد. از کپتانی ۴۰ آبان با عده‌ای مسئولین شورای مرکزی اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی صاحب‌های دارکده فلاکت این انجمن‌ها را به خوبی نشان می‌دهد، مسئولین محترم علی‌رغم همه آمارسازی‌ها، اعلام می‌کنند که "اکنون اتحادیه‌های ۷۵ هزار عضو مدارس سطح کشور دارند" تصدیق می‌کنند که کویستنده برای اعلام تعداد اعضای یک سازمان اسلامی دولتی در مجموع بیش از چند هزار مدرسه در سراسر کشور، دچار خجالتی بوده‌است. از رفتار مسئولین برای افزایش اعضای انجمن‌ها برنا مدهای بسیار وسیع تدارک دیده‌اند، همانجسبا گفته شده‌است: "در آینده نزدیک کلوب‌های فرهنگی و هنری نخست برای دانش‌آموزان عضو اتحادیه‌ها سزای می‌گردند و سپس دانش‌آموزان غایب نیز می‌توانند از این کلوب‌ها بهره‌گیرند... براساس طرحی، اتحادیه‌ها به نفع سوادآموزی همگاری خواهد کرد که در درجه اول از دانش‌آموزان عضو اتحادیه بهره‌گرفته می‌شود. وظیفه برنا همه در از مدت از وجود دانش‌آموزان غیر عضو در این خصوص استفاده خواهد شد." اما ساله در واقع چنین است که فعالیت‌های مکتبی این انجمن‌ها از جانب دانش‌آموزان غیرانجمنی، تحریم شده‌است. و حضرات چاره‌ای جز این ندارند که در همسان بیلبه بسته خویش باقی بمانند. اروپا ختگ‌سی انجمن‌ها در میان توده‌های دانش‌آموزان با زهم باعث خروج هرچه بیشتر اعضای انجمن شده‌است و اکنون برنا مدهای جدیدی تدارک دیده‌اند تا قبل از این عده را با امتیازات با هم بیشتر "شک‌گیر" کنند. در مورد فعالیت‌های "کفگیر" اتحادیه هم مسئولین اعلام می‌کنند: "اتحادیه با همکاری بنیاد مسقفان اقدام به شناسایی دانش‌آموزان بی‌باعت نموده

است و تاکنون نزدیک به ۵۰۰ تن در سطح شهر تهران مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که به آنها کمک هزینه تحصیلی پرداخت می‌شود. گاش که این انجمن ملزوم تیرا از شناسایی آنها را هم منتشر می‌کرد تا همگان از درجه محبوبیت و نفوذ توده‌ای آن با خبر شوند.

از حرکتگان شوروی در ساختن سوسالیم فعلاً لانه‌شکرت کرد، در پرتو کار روفعاً لیت‌های خالمانند و ارزمنندش، معاون وزیر آموزش جمهوری تاجیکستان شوروی و سپس دبیر اتحادیه نویسندگان و مترجمان این جمهوری شد. لاهوتی به‌سپاس خدمات درخشان سسشن در بنیادگذاری ادبیات سوسالیمستی، به دریافت نشان لنین مفتخر شد و آثارش به زبان بسیاری از خلق‌های شوروی ترجمه و انتشار یافت. وی از دوستان نزدیک ما کسیم‌گورکی، رومن رولان و ناطق حکمت بود. لاهوتی در دوران مجاورت نیز هیچگاه به مین عزیزش رازداد سردوبه هر تیریبی که توادانت به نیت‌های بی‌خوشی ایران مدعی رساند. زندگی و آثار او مظهر کمال آمیختگی هماهنگ انترناسیونالیسم و میهن پرستی است.

زندگی تنگین است. در چنین حال بود ترس و سکوت، اضعلال خطرناک این است. جان چه لازم گرایران توگردنبا سال. آنکه هر لحظه به شکل دگری می‌میرد، نعتش جنبه بود. و آنکه با دان جان ره به عدومی‌بندد، حساودان زنده بود.

در ما گذشته، جشن‌های صدسالگی لاهوتی در اتحاد شوروی با شکوه فراوان و با حضور بزرگان هنرو ادب این کشور و بسیاری از هنرمندان نامدار جهان برگزار شد. از مقاماتش تجلیل شایسته کردند، به‌یادبودش مجسمه ساختند، فیلم تهیه کردند و به معرفی شخصیت انقلابی‌اش پرداختند. در بی‌گدور میهن لاهوتی در شرایط استبداد قرون وسطایی آخوندها، حتی نام سیردن از لاهوتی نیز جرم است. اما با دوغاشرا این بزرگ مرد انقلابی و افتخار خلق‌های ایران هووار در قلب مردمش زنده و جا به‌جا می‌ماند. مردی که هواری می‌سرود:

ای میزبان وطن به راجت جان فشان متم
دستان سرا به‌صفت توباً صدزبان مدم
بمیچیده‌تا ر بود وجود مبه میسر تو
جا وید زنده با وائل جان وادان منم
وصاف میچشم، چه عجب گویم ر بلتند
لاهوئی سخن ورگرا نشهان منم

از شاه‌وشیخ نام مبریش من که من
با دشمنان بزرگروکارگر دشمنم
کو پتک و داس سرخ و میدان انقلاب
تا کجا خجور و میخشم برافکنم

زبان مدهی لاهوتی ساد و بی‌پیرایه و دور از زلفل -
فروزی ولی بسیار غنی، رنگین و پر مضمون است و به
همین دلیل به‌سادگی در میان مردم راه یافته‌است؛
گردناری و حقوق و وطن استقلال



دره دل‌های ورزشکاران

دلیل نزول ورزش کشتی چیست؟ عدم آموزش کافی برای مربیان، عدم شرکت در مسابقات جهانی المپیک و همچنین تورنمنت‌ها، بیشترین ضربه را به کشتی زد. "ما بقیه کم - سفر خارجی کم و خیلی کم بودهای دیگر آن وقت توقع مدال فراوان" نفرستان تیم به مسابقات جهانی و المپیک، رسیدگی نکردن به حال کشتی گیرانی که در سطح تیم ملی هستند، "کمبود دیدارهای بین المللی، تا مین نبودن کشتی گیران از نظر مالی و بدتر از همه تعویض نکردن روسای فدراسیون‌ها و مربیان تیم ملی"، باشگاه‌ها فاقد امکانات اولیه است، دوش حمام و سالن کشتی قائم شهر سربالایی دارد؟! "من به اتفاق برادرم و سایر کشتی گیران در یک گرما به قدمی کشتی می‌گیریم، آب را دریا داد است"، اشکالات زیاد است، "فدراسیون ساعتی - مربی ساعتی، اینک نشتکار، تا مابا دکشتی جایی بگیرد، اولاً رئیس فدراسیون عوض می‌کنند، شترسوار که اورا دولانی شود! اگر کشتی می‌خواهند یا بدهم به پیش مرتب و منظم باشد، ولی اجازه نمی‌دهند که در مسابقات جهانی شرکت کنند". "لان‌من نباید زود حرف بزنم!"

پاسخ‌ها، گوشه‌ای از پاسخ قهرمانان تیم ملی کشتی در مورد وضعیت ناسامان و اسباب بزرگتی مجله کشتی، ورزشی است و هرگاه در نظر بگیریم که کشتی، پس از فوتبال بر طرفدارترین ورزش ایران و ورزشی است که در آن قهرمانان ایرانی همواره آوازه جهانی داشته‌اند، آنگاه می‌توان به اوضاع سایر رشته‌های ورزشی بهترین برد. به تنهایی ورزش درغل و زنجیر قوانین ارتجاعی رژیم روز بروز بیشتر از نفس می‌افتد، بلکه ورزشکاران نیز در چنگ رژیم خمینی برای مردم ایران فراهم آورده‌است، زندگی طاقت فرمای را می‌گذرانند غول بیگاری، فقر و فلاکت پنجه خود را بر گلوی ورزشکاران نیز می‌نهد، مشکلات لاینحل، آسینده زندگی ورزشکاران را دشوار و پشیمانه ساخته‌است. چرا که ره هستی؟ "نه تنها مجرب هستم، بلکه بیگانه هم هستم"، والله در حال حاضر بیش پدرم کاری کنم، ولی در واقع بیگانه هستم، چون هنوز استقلال کشتی را پیدا نکرده‌ام"، "یک کشتی گیر هستم، مدت دو سال است که خدمت تمام شده، توی این مدت هیچکس سواغ من اینکند که بگوید زنگی می‌آوری و من خدمت منور، امثال من زیاد است".

چرا ازدواج نمی‌کنی؟ "اگر وضع خوب شود همین فردا زن خواهم گرفت"، دستم خالی است، "اشا الله وضع زندگی ام بهتر باشد" آن وقت خدا بزرگ است، "توسط ازدواج دانش یک زندگی معمولی است". در برینج جلاذ جماران نمی‌شود همه حرفها را آشکارا زد، بویژه حرفهایی که به‌ریشه‌های درد مربوط می‌شود اگر نیز حرفی زده شود، روزها نماز است تا سینه زده‌آنها را سانسوری کنند، اگر ورزشکاران در حرف زدن آزاد بودند آنگاه نفرت از یک، اعتراض به اختناق و سرکوب آزادی، بیگاری، فقر، گرسنگی و گرانگاری مشکلاتی می‌بایان، فضا بیل ورزشی و در یک کلام فساد

محکومیت رژیم خمینی نه با گوشه‌نویسی، بلکه با با نگی رسا عنوان می‌شود. این حال در درددل به پای قهرمانان تیم ملی کشتی گوشه‌هایی از واقعیت تلخ ورزش ایران، زندگی ورزشکاران و درد و رنج همسره مردم ایران و بویژه رنج بی پایان ادا به جنگ منکس است. "عذرا اشا الله هر چه زودتر آتش این جنگ را خاموش کند". این سخن کوتاه و دل‌نشین پیلوان معروف تیم ملی کشتی ایران، به خوبی خواست و آرزوی توده ورزشکاران و همه جوانان برای زندگی در شرایط صلح و آزادی را بیان می‌کند.

پیروزی قهرمان شطرنج جهان

سومین دور مسابقه قهرمانی شطرنج جهان در مسابقات "گاری گاسبارف" و "آنا تولی کارپوف" قهرمانان اتحاد شوروی، با پیروزی گاسبارف پایان یافت. با این پیروزی گاسبارف مقام قهرمانی جهان را تا سال ۱۹۹۰ برای خود تصدیق کرد. این مسابقه با نتیجه ۱۴ بر ۱۲ پایان یافت و از آنجا که گاسبارف از مقام قهرمانی خود دفاع می‌کرد، برنده شناخته شد. به تازمه تیم مغربین شطرنج، این مسابقات گام تازه‌ای در شکار مل‌بازی شطرنج به حساب می‌آید، کارشنا سان، بازیهای هشتم و نهم و چهارم گاسبارف را با زیبایی شیوع آسما ارزیابی کرده‌اند.

هر چند رژیم جمهوری اسلامی مسابقات شطرنج و انتشار اخبار مربوط به آن را ممنوع و "حرام" اعلام کرده‌است، اما مطالعه دقیق این مسابقات سرار ورزش جهانی برای علاقمندان جوان شطرنج در ایران، نکات آموزشی فراوانی به همراه خواهد داشت.

نمایش صلح در مسابقه ایران-عراق

والیببال ایران بعد از ۷ سال دوری از میدانهای بین المللی، در مسابقات والیببال قهرمانی آسیا در زمین هفتده تیم دهم شد! تحت "حاجات" رژیم اسلامی ورزش ایران بدتتها در جهان، بلکه در سطح آسیا نیز به قهرقوت کرده است. شکست‌ها و ناکامی‌های بیابای تیم‌های ورزشی ایران دیگر تعجب‌کنی را بر نمی‌انگیزد. این شکست‌ها در واقع شکست سیاستهای ورزشی رژیم جمهوری اسلامی است.

این شکست بزرگترین در این مسابقات، همبستگی صلحجویانه ورزشکاران ایران و عراق است. تیمم والیببال ایران در آخرین مسابقه خود در کویت به مقابله با تیم والیببال عراق رفت. این مسابقه به نمایش جهان انگیز دوستی صلح طلبی ورزشکاران ایرانی و عراقی بدل شد. این نمایش را که جلوه کوچکی از خواست مردم ایران و عراق در جهت برقراری صلح بود، نتایج مسابقات را تحت تاثیر قرار داد و دوباره سر جهان مخابره شد.

رژیم خمینی از همبستگی صلح طلبانه ورزشکاران ایران با والیبالیستهای عراقی سخت به‌خشم آمد. روزنامه‌های ورزشی رژیم با زوزه‌های خشک گیسبانی کوشیدند اثرات این عمل صلحجویانه قهرمانان ایرانی را خنثی سازند. اما تلاش آنان کسی را قریب نتواند. حادثه کویت یک بار دیگر نشان داد که ورزشی ورزشکاران ایران امکان‌ناست سیار رسانده می‌شود. مسازره علیه جنگ و رژیم در اختیار درآید، با بسند از این امکانات با خوشیاری و شجاعت در جهت اقتسای رژیم و انبغای نقش مؤثر در مسازرات مردم ایران استفاده کرد.

جنگ و چشم انداز...

نورای امنیت را در کرده اند و در تبلیغات رسمی خسود را بی نهایت زامد آگوه سیاسی وانمود می نمایند اما...

برده است. رژیم خمینی برخلاف آنچه که خود می گویند، در ضعیف ترین موقعیت در شام طول ۷ سال جنگ قرار دارد...

آیا ما ده شد. جنگ اکنون به نقطه ای رسیده است که احتمال چرخشهای جدی و حوادث نا منتظرانه در آن محتمل نیست...

جوانان ترکمن آتش زیر خاکستر

جوانان در رژیم جمهوری اسلامی با هزاران درد و رنج دست بگریبا نند اما در دورنجهی که بر جوانان بلوچستان...

در کسب و قریب پیدا می کند، بسیاری از مردم از نشت فقیر به دام اعتیاد دکشیده شده اند. اعتیاد دیزرگترین لطمه را بر کودکان و ارادگی آورد روزی ما در دانش...

اصول برخلاف ما لاهی گذشته بشماره راجع به حجاب کمترین راجع به جنگ بیشتر است. گفته اند که از دانش آموزان حداقل ۲۰ شوم از معلمین...

برای اصلاحات دمکراتیک...

سازمان جوانان پیشگام ایران یک بار دیگر همه جوانان و ورزش دوستان را به تشدید مبارزه موثر برای رها نیدن ورزش از اوضاع اسف بار فعلی و برای...

ورزش کشور سرسختانه مقاومت و هر اعتراضی را بر حمانه

سرکوب می کند. برای مقابله با اوختنا و سرکوب و برای ایجاد تغییرات به سود حال بحران ورزش باید...

میدانین ورزشی ایران در چند ساله گذشته از فعال ترین مراکز مبارزه علیه رژیم بوده اند. جوانان ورزش دوست و ورزشکاران و پهلوانان با اعتراضات...

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران دی ماه ۱۳۶۶

مسائل و مشکلات جوانان ارمنیه

جوانان ارمنی هموطنان ، امسال نوجوستان ژانویه را در زیر پرده غمناک جلاد جماران برگزار می کنند. با سدا ران ارتجاع ، تفنگ به دست آمده اند تا چنین سرور هم میهنان ارمنی را با "قوانین اسلام" منطبق سازند! یورش رژیم اسلامی خمینی به اقلیت های مذهبی مقیم ایران از همان نخستین روزهای انقلاب آغاز شد. رژیم با شعار "چنان را با منطق سراسر مسلمان می کنیم" تهاجم خود به غیر مسلمانها را آغاز کرد. اما "منطق" پیش نرفت و چماق جای آنرا گرفت. رژیم با بیای تشبیب موقعیت خود تهاجم به معنسه ارمنی را آغاز کرد و فشار به جوانان ارمنیه را در مرکز این تهاجم قرار داد. استقبال جوانان ارمنی از سازمانها و احزاب سیاسی انقلابی و ترقیخواه ، آتش خشم رژیم را دینیز تر کرد. کلوب ها ، باشگاه های ورزشی آنجنم ها و سایر شکل های جوانان ارمنیه زیر نظر و تحت فشار قرار گرفتند و فعالیت آنان با محدودیت های روز افزون مواجه شد.

رژیم ارتجاعی خمینی برای محروم کردن جوانان ارمنیه از فرهنگ ، زبان و آداب و رسوم خود ، شستوشی مغزی آنان به سوز به تهاجم به مدارس ارمنیه را در مرکز سیاست خود قرار داد. رژیم تدوین زبان و تاریخ ارمنی را در این مدارس ممنوع ساخت. و تنها امکان تدوین دروس دینی - آئیم به زبان فارسی - را مجاز اعلام کرد. فقط به دانش آموزان کلاسیای اول تنبای پنجم ابتدایی اجازه یادگیری به زبان مادری شان داده می شود. امکان آرزو فعالیت های فوق برنامسه از دانش آموزان ارمنی سلب شده ، امور تربیتی در نه مدارس ارمنی تشکیل شده و از قدرت زیادی برخوردار است.

سیاستهای فدا رمنی رژیم در قبال مدارس که از سال ۵۹ به این سو ادامه یافته ، مساله مدارس ارمنیه را به سادسه درجه یک تمام ارمنیه تبدیل کرد. زیرا رژیم ، نسلهای جوان ونو پایی ارمنی را از حقوق یادگیری زبان و تاریخ و فرهنگ مردم خود محروم ساخته است. طی سالهای گذشته اعتراضات مردم و گسترده ای از سوی ارمنیه برای مقابله با سیاستهای رژیم برپا شد. خواسته های اساسی جوانان ارمنی در مدارس خود ، به رسمت شناختن تدوین زبان و تاریخ ارمنی ، ایجاد شورایی از نمایندگان آنجنم ها ، نماینده شورای خلیفه گیری ارمنیه ، نمایندگان ارمنیه در مجلس و نماینده حکومت برای نظارت بر امور مدارس ارمنیه. انتصاب مدبرین ارمنی از سوی شورای مذکور ، انحلال امور تربیتی و حق انجام فعالیت های فوق برنامه و برقراری جشن ها و مراسم ملی در مدارس می باشد.

جوانان ارمنی برای تحقق خواست های شان و دفاع از زبان ، تاریخ و فرهنگ گنج خود ، مورد حمایت و پشتیبانی قاطعانه همه جوانان ترقیخواه ایران قرار دادند. بدون چنین همبستگی و بدون مبارزه مشترک هیچ یک از خواسته های جوانان ارمنی تحقق نخواهد یافت . کوشش در جهت سازمان دادن جوانان ارمنیه در تشکل های خاصی خود ، برقراری ارتباط و رابطه گسترده با جوانان و پیشروان جنبه های توده جوانان از مبارزات جوانان ارمنی و شرکت موثر در مبارزات عمومی جوانان قدم های موثر و ضروری برای گسترش این مبارزات است . جوانان ارمنی در این مبارزه از سابقه درخشان و پرباری برخوردارند. پیشسروان جامعه ارمنیه همواره در صفوف احزاب و سازمانهای

فلسطین تسلیم نمی شود

مهیونیت های جنا بیکارها را در کبریا بمب و کلوله و آتش به جان مردم آواره فلسطینی افتاده اند. ده میا فلسطینی را گشته و مجروح خخته اند. اکثر کشته شده گان کودکان و زنان هستند. نواغزه و کرانه غریب رود اردن ، اسرائیلی ، که دانش گان بی باقه بوده ، روبروا سست ، در خیا با آنها و شهرک ها و اردوگاههای آوارگان فلسطینی تظا هرات و اعتصابات همگانی شده است. جوانان قهرمان فلسطین در این اعتصابات توده ای ، در صف مقدم قرار گرفته اند. آنها با دستهای خالی و با ره سنگ در مقابل سلاحهای مدرن سربازان اسرائیلی مقاومت می کنند. اسرائیل و متحدان امیریا کینتیش پیوهده تصور می کنند که با منت آهنین می توان جلوی مبارزات انقلابی را سد کرد. خلق فلسطین برای حق زندگی آزادانه مبارزه می کنند. تاریخ پر بیرج و قهرمانانه مسردم فلسطین بهترین شاهدان است که نمیتوان این مردمان از مبارزه رها کرد. خواست عادلانه خود را داشت و منصرف کسرد.

جنا بیات تازه اسرائیل ، خشم مردم جهان را برانگیخته است . جوانان پیشگام ، حمایت آتین خو ، را از مردم جوانان فلسطین ابراز می دارند. تشنگ و نفرت بر رژیم مهبیونستی اسرائیل و امیریا لیسم جنا بیکارها آمریکا ، متحد درجه یک آن

آدرس :
Pf. 10
1091 WIEN
AUSTRIA
 اتریش

سال نو میلادی خجسته باد!

با صمیمانه ترین آرزوها ، آغاز سال نو مسیحی را به همه هموطنان مسیحی مان شاد بگشای می گوئیم . امیدواریم که سال نو ، مسیال پیروزی های فزونیتر برای جوانان ، همه مسیحیان ایران و مردم میهن مان در مبارزه علیه تمام مظاهرستم اجنما می ، ملی ، مذهبی و فرهنگی ، سال مبارزه قاطعتر در راه صلح و آزادی باشد . سازمان جوانان پیشگام ایران در این سال نو برای همیمنان مسیحی موقعیت درگزار و بیگوار و زندگی شان آرزوی می کند .

دمونیتس و دموکرات ایران به خاطر راهی همه خلقهای ایران رژیمده و جان باختند. روابط استوار جوانان ارمنیه و داد بیجان خلق و سعادت جوانان پیشگام سابقه دیرینه دارند. خون قهرمانانی چون فدایی شهید ما رشک ... پشتوانه این رابطه استوار است. حضور دهها و صدها جوان ارمنی در صفوف جوانان پیشگام از این واقعیت برمی خیزد. سازمان جوانان پیشگام که سازمان جوانان مترقی ایران -- صرف نظر سراز هرگونه مذهب ، زبان و ملیت است. دفاع از خواسته های جوانان ارمنی را وظیفه مهم خود می دانند و برای نجات تاریخ و فرهنگ ارمنیه از تهاجم رژیم و زندگی جوانان ارمنیه بجای با شهروندان برابرحقوق بدون هیچگونه تبعیض و بی عدالتی در ایران آزاد و دمکراتیک بیگبارانه مبارزه می کند .